

## کتابت در مزار در قند مبارک

درین روزها که بقندهار رفتم تشرف بمزار مردنامی افغان حاجی میر ویس بابا  
را از ضروریات دانسته و مشرف گردیده روز دیگر در اثنای گردش بمزار  
دیگری مشهور به صرفی صاحب بر خردم که معلومات خود را در اطراف آن  
مومزار لزوم دیدم ذیلاً بطالع قارئین محترم برسانم :

### مزار - حاجی میر ویس خان

ذکر حالات این مردنامی و افتخار افغانستان که سوانحش بهمه هموطنان  
چون آفتاب روشن است و کتابها در ذکر حالات وی نوشته شده حاجت تفصیل ندارد  
نظراً راجع بمزار وی مرقوم میگردد :

این مزار بطرف قبله شهر قندهار تقریباً بمفاصله سه میل واقع است باغچه  
بزرگ کبریا گل و اشجار داشته اطراف باغچه بدیوارهای پخته سنگ و سیمت  
احاطه و در بین احاطه کشیدی عالی بارشاع تقریباً ۲ متر به پخته کاری  
بنایافته خود مرقد به سنگ رخام سفید دارای سه مرتبه و صندوقه سنگی است  
و در اطراف صندوقه چنین مرقوم :-

۱- پستو :

دامرقد دشاغلی نوربالی پشتون او محرک آزادی دپشتانه مرحوم حاجی  
میر ویس خان نیکه هوتک دی چه پره دی ئی له خپلی شادمنی مینی په میرانه و وپستل  
او پشته نه ئی له استیلا شخه دمه جاو زینر آزاده کره انه کاله ئی حکومت و کی او  
په کال ۱۱۲۷ هـ ق یوزریوه سره او ووه ویشتم کال قمری کی دهجرت وفات شوی  
دی پنخواهم خورا مناسب لوحه ئی درلوده مگر په وخت دتجاوزات د اجانب  
اوجگرو لوحه ئی ور که شوه په کال ۱۳۵۱ هـ ق ۱۳۱۱ هـ ش کی په دریم کال  
دسلطنت داعلی حضرت پشتون محمد نادر شاه په توجه دشاغلی پشتون محمد گل خان

مهمند رئیس تنظیمه قندهار په یاد کار دحمیت از لورو خدمتو ددی نشکیمالی  
 پشتون اوشاغلی نیکه اودپاره داجیاء ملی افتخاراتو بیا دا مرقد نوی ودان  
 اونصیر او احاطه ارت او یوه باغچه ورته ساز کره شوه اودا لوجه در ریاست  
 بلدیة له خوا وایکل شوه.

دنتک نونه به می هرهدوی چه پس له مریسی می پر کور راسی مینه

۲ فارسی

مرقد را مرد بزرگ تاریخی محرك آزادی افغان مرحوم حاجی میرویس خان  
 علیه الرحمه هوتک است که با مردانگی افغانی خود متجاوزین و متسلطین را  
 از وطن خود بدر کرد و افغان و افغانستان را از استیلا و تسلط آزاد کرده  
 و پس از هشت سال حکومت خود در ۱۱۲۷ هجری قمری وفات یافته گرچه لوحه  
 قیمت داری بر سر مرقدش موجود بود ولی در جن تجاوزات اجانب و محاربات  
 مع الاسف تلف گردیده بود اینک در ۱۳۱۱ هـ ش برابر ۱۳۵۱ هـ ق در سال سوم  
 سلطنت محمد نادر شاه افغان بتوجهات ع ج ا ا نشان محمد گل خان رئیس  
 تنظیمه قندهار بیا د کار حمیت و مردانگی این بزرگس تاریخی بنام  
 احیای افتخارات ملی ریاست بلدیة قندهار این مرقدش را منظم را سر از نو  
 بصورت مناسب تعمیر و احاطه اش را توسعه و اطراف آن باغچه ترتیب و این  
 لوحه را نصب نمود.

بر سر تربت ما چه بگذری همت خوا که زیارتگه مردان جهان خواهد بود (۱)

(۱) نگارنده را درین کتبه سه اعتراض است اول اینکه چرا به و یا کلمه طبر و یا کلام  
 آیه از آیات قرآن عظیم الشان در آن بیت ؟

دوم بعد از لفظ متالمطین کلمه (۱) مقتضی عبادت مد کور است و ندارد سوم در تمام  
 کتبه، یک بیت تعریف شده که بیت مذکور است خلیلی مروج و مبتدل است ولی آنهم  
 غلط که مصرع اول وی چنین است : بر سر تربت ما چون گذری همت خوا

باین می برداختی ما و غلام دقت است و مراد ازین تذکار آن است که دیگران  
 در صحنه مراد چنین نشکند. در یاد خلیل.

مزار صوفی صاحب که یکی از اجله عرفای عصر خود بوده ...  
 این مزار واقع است در قریب شهر بشمال مغرب قلعه شهر کهنه .  
 اصل احاطه مزار که دارای مسجد پخته کاری و مزین و جد است  
 و اطراف آن قبرستانی احداث یافته تقریباً پنج جریب و سعت دارد  
 در وسط این احاطه دیگری که دیوارهایش بیش از یک فوت نیست  
 بنشت پخته فرش شده که تقریباً پنج بسوه خواهد بود در بین مزاری است دارای  
 لوحه سنگ سیاه دلی و پخته چهار کنج بطول دو متر که در هر چهار  
 طرفش نوشته میباشد .

دو مزار چهار طرف دیوار به خشت پخته و کج ساختا شده و بچار طرفش  
 بصورت پایه نیز از خشت پخته و کج تقریباً یافته هر کدام پایه بطول تقریباً  
 سه متر .

سنگ مرار در فراز هر چار طرف خود به سه پایه و کمانه طبیعی  
 و آیات قرآنی مزین است عبارت مندرجه آن که بخط خیلی اعلائی استعلیق  
 است چنین میباشد .

روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

«مرقد منور برهان المحققین و قطب المرشدین خلیفه الهی و علامه نامتناهی  
 اکبر مشائخ و اعظم اولیا صوفی مجتهد و رسول قوم اسحق زی مند بن زی

ریاضات و کرامات او بسیار بود در اسرار و حقایق نظر ثاقب داشت در مقام  
 قرب غرقه محبت بود پیوسته من را در مجاهده و دل را در مشاهده داشت در  
 سیر الی الله بیرون نبی بود و در سیر من الله قدم بقدم شیخ بهاؤ الدین نقشبند  
 داشت و در حسن خلق و ادب عدیل در علوم شرعی فقهی نظیری نداشت کسی از  
 علما و صلحاسر بر استان او داشت که تحقیقات علوم شرعی و کتب علوم حقیقی  
 از وی میگردند و صحبت او در تقرب الی الله و نفیرت از ماسوی اثر تمام داشت  
 (و در حالت وجد وی) جذبه قوی بظهور می آمد که بعضی ازان مجذوبان  
 قلمه آخر عمر در همان سکر میبودند و بعضی بهمت وی بصحو و هوش می آمدند

ورحلت این مقدا در صبح دوشنبه سیزدهم شهر ذی الحجه بوده در حالیکه سنوی  
پنجاد و پنج و سنه هجری یکهزار دوسد و هشتاد و هفت بود .

نوشته شیر محمد عمل فیض محمد ولد محمد حسن ۱۲۸۷

شخصیت حاجی میرویس خان نیکه بابک را در مرد تاریخی و افتخاری ما  
چنانچه بدو گفتیم حاجت بیان نیست زیرا در جهان روز شتر از روز است  
شرح حال او

راجع به صوفی صاحب با نرازه که باید در اطراف او هم معاو مائی باشد  
مضمون تعرفه سنگه کافی است با ضافه ازان ضرورتی احساس نشد تا در تفحص  
می بر آمدیم .

اما قید مضامین لواحق این هر دو حظیره را لازم دیدم و نشر نمودیم

محمد ابراهیم خلیل

انتها

پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

